

نماز و نقش آن در تربیت نسل تمدن ساز، از منظر قرآن، و نهج البلاغه و برخی دیدگاه‌های مطرح

□ احمد حبیبی تبار *

□ محمدحسن فهیمی **

۱. چکیده

نماز از مسایل مهم و اساسی است. این نماز به قدری اهمیت دارد که ارکان دین و موجب پذیرش تمامی اعمال است. اگر نماز مورد پذیرش قرار نگیرد تمامی اعمال انسان مردود است. بدیهی است که نماز از عبادت‌های مسلمانان و از ارکان مهم این حساب می‌شود. سوال اصلی این است که اگر کسی و یا جامعه‌ی در ساختن یک تمدن تراز از آن استفاده کند سرانجام آن چیست؟ آیا جامعه و تمدن برخاسته از نماز چه گونه تمدنی خواهند بود؟ دستاورد تحقیق آن است که نماز یکی از مهم ترین عباداتی است که دارای اذکار و حرکات خاصی است. که در روایات از آن به عنوان "ستون دین" و "شرط قبولی دیگر اعمال" یاد شده است. نماز در ابعاد گسترده احکام اسلام واقع شده اما در این تحقیق، تمدن سازی آن مورد بحث و محور قرار گرفته و موارد تاثیر آن به وضوح اثبات شده می‌باشد. فرض مسأله آن است که نماز جزء نوامیس حقوق الهی انسان است. از قواعد این رکن تمدن ساز در قرآن، روایات، و فقه، جامعه اسلامی و تجربیات انسانی در پشتیبانی از آن وضع گردیده و مسلمان‌ها اجرا می‌شود. اما نماز تنها عبادتی است که اگر مورد پذیرش قرار گرفت مدنیت از آثار طبیعی آن است که در انجام و اجرای این قواعد بشر به تمام اهداف الهی و انسانی خود از جمله تمدن نائل خواهند آمد و موجب اصلاح و رضایت خداوند متعال و نزول خیر و برکات و آرامش دل‌ها است. **کلیدواژه‌ها:** نماز، تمدن، تمدن ساز، اذکار، حرکات، آزادی، شرایط، قرآن و احادیث.

* حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشجویان بین‌المللی المصطفی ﷺ العالمیه.

** دانشجوی دکتری مجتمع آموزش عالی فقه (نویسنده مسئول).

۲. مقدمه

از اهمیت نماز همین کافیت که پذیرش او موجب قبولی تمام اعمال انسان و عدم پذیرش او موجب رد تمام اعمال و رفتار انسان می‌گردد. نماز در تربیت نسل‌های مومن و خدا محور برای ساختن یک مدنیت سالم که همه مردم در آن به سعادت زندگی کند. آن هم مردمی که طول این دوران (قرن حاضر) فجایع زیادی در این مرحله (برای رهای از هرج و مرج و ساختن تمدن که همه آن را می‌خواهند) رخ داده است، به برای رسیدن به این اهداف تلاش می‌کنند؛ و چشم به راه آن تمدن هستند. نماز نسلی را تربیت می‌کند که اولین مبارزه آن علیه استکبار جهانی خواهند بود و برای تحصیل آرامش، مخصوصا کسانی و نسلی که آرامش زندگی خود را از دست داده اند، تلاش می‌کند. نماز دارای شرایط، قواعد، اصول و روش‌های ارزشی هستند که مبنای الهی و در حیطه اعمال انسانی است. نسل تربیت شده از نماز برای تأمین منافع خود نه بلکه برای همه انسان‌ها تمدنی را ایجاد و حمایت می‌کند که در آن تمدن انسان از حالت و وضعیت خویشاوند اوست: "یا مومن و برادر دینی و یا همزاد و همسرنوشت" لذا در این تمدن دنیا مال همه انسان هاست و توزیع امکانات بدون هیچ ملاحظه سیاسی، و نژادی ... انسان مومن از آن حمایت می‌کند.

در منازعه بین انسانیت و حیوانیت یعنی خیر مطلق و شر مطلق که اکنون دوام یافته است و تا جهان است دوام خواهند داشت؛ تنها موفقیت و نجات در نماز است. نماز در تربیت انسان، ساختن تمدن که عاری از زشتی‌ها و منکرات است را به دست او وعده داده است؛ آیا غیر از این است؟ اگر جواب مثبت باشد چه موارد از این رکن تربیتی تمدن ساز ضامن اجرای این وعده الهی است؟

جهت یافتن پاسخ تحقیق به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و با مراجعه به تراث اسلامی و دیدگاه بین المللی انجام گرفته است. دستاورد تحقیق آن است که نماز در تربیت نسل تمدن ساز تنها راه مطمئن و قابل اعتبار می‌باشد و این وعده الهی در حال تحقق است. برای آن که این اصل مهم "نماز" در پرتو تبعیت از احکام شرعی، ولایت مداری و دیدگاه بین المللی تعریف و قابلیت ارائه دارد لذا برای ساختن یک چنین تمدنی هیچ شک نداشته باشیم؛ لذا بعد از عصر

امامان معصوم علیهم‌السلام مدت (۴۶) سال است که حاکمیت فقهی (ولایت فقیه) بر این دیدگاه صحه گذاشته است.

بر مبنای فرمایشات مقام معظم رهبری حفظه‌الله که فرمودند؛ امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: "نقشه ای امام، نظم مدنی - سیاسی مبتنی بر عقلانیت است". نتیجه و ماحصل آن تمدن بر خواسته از اجرای احکام شرعی به دست مردم و یا مردمسالاری دینی، است. لذا این نماز است که برده داری را باطل اعلان می کند و در جهت استمداد، هم فقط خدا را آدرس می دهد "ایاک نعبد (نفی اربابان باطل) و ایاک نستعین (یاری حقیقی فقط از خدا خواستن)". را در تربیت نسل تمدن ساز، جهت می دهند.

۳. مفاهیم کلی

قبل از ورود به متن اصلی تحقیق و ارائه پاسخ به سوال اصلی، ضروری است که مفاهیم اصلاحات به کار رفته در عنوان مقاله کاوش و تعریف گردیده و معنای متناسب با محتوای مقاله معین گردد، تا مراجعه کننده هنگام خوانش با مفهوم مورد نظر آشنا باشد.

۳-۱. نماز؛ تربیت، نسل، تمدن ساز

- نماز

در لغت عربی به معنای صلاه می باشد و در زبان فارسی عبارت از است از: راز و نیاز با خداوند متعال است. و یا به عبارت دیگر؛ گُرنش و بزرگداشت است. و به عبارت دیگر نماز عبارت است از: پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، اظهار بندگی، عبادت مخصوص و واجب مسلمانان است. (عمید، حسن، فرهنگ عمید). در اصطلاح عبارت است از: یک عبادت مهم در اسلام و یک نوع ارتباط مستقیم بین خدا و بنده است که اذکار و کلمات معین و زبان معین توسط فرد انجام می پذیرد (طوسی، المبسوط، ص ۷۰). نماز یکی از اعمال و تکالیفی که از طرف خداوند بر انسان واجب شده است، می باشد. نماز در قرآن به معنای "صلاه" و جمع آن "صلوات" است، در اصل به معنای دعاء است که در برخی از آیات قرآن به همین معنا آمده

است. (سوره توبه، آیه ۹؛ احزاب، آیه ۵۶، بقره، آیه ۱۵۷). وجه نام‌گذاری نماز به صلاه از باب إطلاق جزء به کل است یعنی نماز شامل دعاء هم هست. امام خمینی رحمته الله نماز را عبادتی شامل اذکار، قرآن و افعالی می‌داند که برخی واجب و برخی مستحب اند. حضرت امام خمینی نماز را برترین عمل و بزرگ‌ترین سبب رحمت حق تعالی و سستی در نماز را سبب خروج از ولایت ائمه علیهم‌السلام و محروم ماندن از شفاعت آنان می‌داند و نماز را معجونی روحانی دانسته که دست جمال و جلال حق تعالی ساخته شده و از آن همه عبادت‌ها جامع‌تر و کامل‌تر است. (خمینی، سیدروح الله، الخلل فی الصلاه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار؛ چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش). نماز که در عربی لفظ (صلاه) بر آن إطلاق می‌شود، مشتق از کلمه (صلاه) است که به معنای آتش بر افروخته است و از این جهت به این عبادت خاص (صلاه) گفته شد، زیرا کسی که نماز بخواند، خود را به وسیله آن از آتش بر افروخته الهی دور می‌سازد. (راغب الاصفهانی، ۲۸۵) نماز در اصطلاح شرع عبارت از عملی است که متشکل از اجزاء و شرایط خاصی است و باید با قصد قربت به پروردگار هرروز در چند نوبت به جهت خاصی به جا آورده شود.

- تربیت

تربیت در لغت از ماده "ربا" به معنی "زاد و نما"؛ افزایش یافت، نموکرد، می‌باشد (فیومی، مصباح المنیر، ص ۲۱۷). تربیت از کلمه "رب" به معنای مالک، سید و مربی اشتقاق می‌یابد و این گونه معنی می‌شود: انجام وظیفه کردن به شیوه نیکو و پسندیده (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹). تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند. در اصطلاح فقهاء تربیت تعریف مشخص نشده است اما از مفهوم حضانت چنین برداشت می‌شود: "حضانت ولایت و اقتداری است برای تربیت نمودن طفل (علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۱). تربیت در اصطلاح فقهاء عبارت است از: "پرورش روحی و اخلاقی (صفای، امامی، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۹۰).

اما در واقع تربیت مفهوم بی پایان و بی کرانه ای است که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد؛ تربیت نه در حصار زمان محدود می‌شود و نه در قلمرو مکان می‌گنجد. فراتر از محیط، وسیع‌تر از عالم و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است. (هاشمی، چیستی و اهداف تربیت؛ پژوهش‌های قرآنی ۱۳۸۸، ش ۵۹ و ۶۰ ویژه نامه قرآن و فلسفه تربیت).
واژه رب از مصدر تربیت اشتقاق یافته است (چه به صورت مجرد به کار رود و چه به صورت مضاعف) معنای یگانه دارد؛ یعنی سوق دادن چیزی به سمت کمال. رب در اصل به معنای مالک و صاحب چیزی است که به تربیت و اصلاح آن می‌پردازد و باید توجه داشت که رب از ماده "رب" است، نه "ربو" (یعنی ماده اشتقاق آن مضاعف است و نه ناقص). به هر صورت در معنای آن پرورش و تربیت نهفته است. " (مکارم شیرازی، ۱/۵۴) غزالی تربیت را بعد از رسالت بزرگترین کار آدمی دانسته است (غزالی، احیاء العلوم، ۱/۳۵) و کانت نیز آن را بزرگترین و دشوارترین مسئله آدمی دانسته (کانت، ۶۷/۱) و افلاطون بر آن بوده است که فنی عالی‌تر و مقدس‌تر از تربیت نیست. (کاظم زاده ایرانشهر، ۱/۱). تربیت عبارت است از: "الرب فی الاصل: تربیه، و هو إنشاء الشیء حالاً فحالاً إلى حد التمام؛ تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هرچیز است، تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد برسد". (راغب اصفهانی، ۱۸۴/۱) تربیت عبارت است از: پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت در آوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این را متربی به کمال (خود) برسد. (مطهری، ۴۳/۱).

نسل

نسل؛ یعنی فرزند، خاندان، سلسله، اخلاف، ذریه (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ذیل نسل). نسل؛ یعنی مردمی که در زمان واحد زندگی می‌کنند، مردم هم عصر، و یا به معنای دودمان و فرزند است (عمید، حسن، فرهنگ عمید). نسل مترادف: آل، تبار، تیره، ذریه، سلاله، نژاد، ریشه، دوره و عصر (دیکشنری آبادیس).

مراد از نسل معنای لغوی آن اگر لحاظ نباشد یعنی معنای مفهومی اصطلاحی منظور باشد، نسل به انسان‌هایی که در یک دوره زمانی زندگی کرده اند یا متولد شده اند و دارای اشتراکاتی

هستند گفته می‌شود که به طور معمول افرادی که به صورت میانگین در زمانی در حدود (۳۰) سال به دنیا آمدند و دوران نوجوانی، جوانی، میان سالی و سالخوردگی آنها از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه شرایط یکسانی داشته است، گفته می‌شوند (دانشنامه ویکی پدیای انگلیسی؛ ۲۰۱۷). منظور است. و یا هم به عبارت دیگر؛ نسل امروز بر اساس شرایطهای سیاسی و تکنالوژی بیشتر قابل تعریف خواهند بود؛ قبلا نسل به مدت زمانی (۲۵) سالگی قابل تعریف بوده ولی امروزه‌ها به (۵) سال قابل تنزل زمانی و صعود مفهومی ممکن بیشتر مصداقیت عینی داشته باشد (دانشگاه تهران: هیئت علمی؛ کد خبر: ۱۰۹۳۲۴، سال انتشار ۱۳۹۲). تعریف نسبتا جامع‌تر از نسل؛ تغییر و تحولات نسل هاست که در فرمایش امیر المومنین علی علیه السلام به خوبی به آن توجه شده است. امام علی علیه السلام فرمودند: "فرزندانتان را به اخلاق (ادب) و خوی خودتان منحصر و مقید نسازید چرا که آنها برای زمانی جز زمان شما آفریده شده اند" (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷، ح ۱۰۲).

۳ - ۲. پیشینه نماز

نماز در تمام ادیان اسمانی وجود داشته است و این بر اهمیت آن دلالت می‌کند.

- نماز در قرآن کریم

نماز در قرآن حکیم (۹۰) بار مستقیما واژه صلاه و مشتقاتش به کار رفته است و حدود ۹۰۰ بار کلمات و واژه‌های که مرتبط با نماز هستند، مانند: رکوع، سجده، وضو، مسجد، ذکر، عبادت و...؛ به کار رفته است که در نتیجه می‌توان گفت: حدودا یک ششم از آیات قرآن به نماز پرداخته است، ضمن اینکه در بسیاری از آیاتی که بحث نماز از نماز شده، مشاهده می‌شود که نماز به طور خاص مورد تاکید قرار گرفته است که به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود:

"قل إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین" (الأنعام: ۱۶۲)؛ "إنی أنا الله لا اله إلا أنا فاعبدنی و أقم الصلاه لذكری" (طه: ۱۴)؛ "و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصین له الدين حنفاء و یقیموا الصلاه و یؤتوا الزکاه و ذالک دین القیمه" (البینه: ۵)؛ "و جعلناهم أئمه یهدون بأمرنا و أوحینا الیهم فعل الخیرات و

نماز و نقش آن در تربیت نسل تمدن‌ساز، از منظر قرآن، و نهج‌البلاغه و برخی دیدگاه‌های مطرح □ ۱۳

إقام الصلاة إيتاء الزكاة و كانوا لنا عابدين" (الأنبياء: ۷۳)؛ "رجال لا تلهيهم تجارة و
لابيع عن ذكر الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب و
الأبصار" (النور: ۳۷)؛ "إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة و البغضاء في
الخمير و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلاة فهل أنتم منتهون" (المائدة: ۹۱).
در تمام ادیان، نماز عبادتی است که وجود داشته و این نشان دهنده رکن بودن نماز در دین
است که وسیله ای برای تداوم ارتباط با خالق هستی و غرق نشدن در مشکلات مادی و
منجلا ب‌های گناه و فساد است.

- نماز در روایات

در روایات نیز تنها در (۲) کتاب وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل حدود (۵۹) هزار روایت از
معصومین علیهم‌السلام نقل شده است که مربوط به تمام ابواب فقهی است؛ یعنی (۵۲) باب فقهی و از
این تعداد روایات (۱۹) هزار آن مربوط به نماز است، یعنی حدود یک سوم روایات نیز مربوط
به نماز است. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: "قال للصلاة اربعة آلاف حد؛ نماز چهار هزار حد دارد"
(الكافي؛ ج ۳، ص ۲۷۲)، شهیدثانی در تبیین حدیث فرموده است: مراد از (۴) هزار حد، واجبات
و مستحبات نماز است که واجبات آن هزار عدد است. که شهید کتاب "الفیه" را برای آن نوشته
و مستحبات آن (۳) هزار است که کتاب "نقلیه" را برای آن تألیف کرده است.

- نماز در سایر ادیان

نماز بس قدمتی طولانی دارد و عبادتی است که در تمام دوران گذشته بوده است. لذا پیامبران
الهی علیهم‌السلام پرستش را به مردم نیاموختند بلکه نوع پرستش و آداب آن را برای مردم بیان نمودند.
در مورد سابقه نماز؛ خداوند متعال در آیه (۷۷) سوره بقره ضمن اشاره به پیمانی که از بنی
اسرائیل گرفته شده نماز را به عنوان یکی از ارکان و مواد این پیمان شمرده است: "و أخذنا ميثاق
بنی اسرائیل لا تعبدون إلا الله و بالوالدين احساناً و أقیموا الصلوة؛ در این پیمان از نماز به
صورت آشکار یاد شده است" (بقره: ۷۷). از باب نمونه نماز در دین مسیحیت را ذکر می‌نمایم:
"در آنجا جیل گوناگون از زبان عیسی علیه‌السلام آداب نماز و دعا به صورت مختلف نقل شده است که

نشان دهنده اهمیت نماز دارد " (انجیل لوقا، باب ۱۱، آیه ۱؛ مرقس باب ۱۱، آیه ۲۵). وجوب دعا یا نماز در مسیحیت هم از تورات گرفته شده است و هم از انجیل؛ برای مثال در عهد قدیم آمده است: "از خدایت بترس و او را عبادت کن" (تثیه، باب ۶، آیه ۱۱). نماز متفق علیه نمازی است که مسیح عليه السلام آن را تعلیم داده است و در انجیل متی آمده است. "پس اینطور دعا کنید. ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد! ملکوت تو بیاید، اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود، نان کفاف ما را امروزه ما بده و قرضهای ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم و ما را در آزمایش نیاور بلکه از شریر ما را رهای ده زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالآباد، از آن تو است. آمین" (انجیل متی ۶: ۹).

تمدن

تمدن در لغت

تمدن کلمه عربی از باب تفعیل و اسم مصدر فارسی . تمدن یا مدنیت (به انگلیسی Civilization) به هر جامعه پیچیده که دارای ساختارهای یک جانشینی، طبقه بندی اجتماعی، شکل از مدیریت، ساماندهی اجتماعی و سامانه نمادین ارتباطی مانند دستگاه نوشتاری (خط و...) باشد گفته می شود. تمدن هرملتی نشانه تعالی و پیشرفت آن ملت است. سابقه ایجاد تمدن در کشورهای اسلامی بدین معناست که آنان دارای تولید فکر و اندیشه، ثروت و سرمایه و نیز قدرت بوده اند و اگر غیر از این بود، تمدنی شکل نمی گرفت. تمدن ممکن است به معنای شهر نشینی، پذیرش نظم و قانون و سایر شئون اجتماعی و همکاری افراد جامعه با یک دیگر است؛ و برای شکل گیری یک تمدن عناصر متعددی از قبیل: علم، نظم، امنیت و تعاون و همکاری، تاثیر گذار است.

معنای اصطلاحی تمدن:

تمدن در اصطلاح

ابن خلدون از تمدن با کلید واژه های "العمران" و "الحضاره" به آن پرداخته است؛ ولی واژه و

مفهوم اصطلاحی تمدن به معنای امروزی (شهر نشینی و...) آن از قرن (۱۸) م براساس دیدگاه انسان محور در مغرب زمین شکل گرفته و دانشمندان علوم اجتماعی تعریف‌های متفاوت از آن ارائه کرده اند (ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۷۲). گروه زیادی آن را مترادف با فرهنگ دانسته اند. تمدن به عبارت دیگر عبارت است از:

برقراری آن نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تراحم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را جایگزین آنها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آنان بوده باشد. (جعفری، ۱۳۸۵، ج ۱۶: ۲۳۴).

تمدن به عبارت دیگر: "تمدن، حاصل تعالی فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی است؛ یعنی خروج از مرحله انجماد و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی" (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱۹)

تمدن در دیدگاه مقام معظم رهبری

تمدن سازی؛ یعنی پیشرفت همه جانبه به معنای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. (خامنه ای، ۱۳۹۱) آن مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت، تداعی کننده حرکت است، راه است. چطور ما می‌گوییم پیشرفت هدف است؟ علت این است که پیشرفت هرگز متوقف نخواهد شد. بله، پیشرفت، حرکت است، راه است، صیروت است؛ اما متوقف شدنی نیست و همین طور ادامه دارد؛ چون انسان ادامه دارد، چون استعدادهای بشری حد یقف ندارد. پیشرفت دارای ابعادی است؛ و پیشرفت در فرهنگ تمدن ساز اسلامی با پیشرفت در فرهنگ‌های دیگر متفاوت است؛ چند بعدی است. (بیانات مقام رهبری: ۱۳۹۱).

بررسی مقایسه‌ی بین برخی تمدن‌ها از جمله تمدن اسلام و غرب

چنین به نظر می‌رسد: ارزش‌های زمینی (تمدن انسانی محض) با ارزش‌های آسمانی (دین الهی) فرا زمینی؛ در قرائت‌های کنونی بشر (غربی - اسلامی) در تضاد و ناهمخوانی قرار دارند. آن بعد ارزشی انسان (روح) او با بعد مادی (جسمی) و فزیک‌ی او که ارزشی در طول

ارزش روحی آنست. نه در عرض؛ لذا بعد ارزشی انسان در روح ملکوتی آن می باشد. نماز در تمدن اسلامی به عنوان یک رکن اساسی در تربیت نسل تمدن ساز؛ این تمدن انسانی را در سعادت و فلاح دانسته و از انجام فحشا و منکر باز داشته و به قرب الهی توصیه می کند. ولی در تمدن غرب بر ستیز و جدال با ارزش های آسمانی و دعوت به فحشا و منکر تاکید می کند و انسان را از بعد ملکوتی او باز داشته و بر قرار دادن بشر به جای خدا تاکید داشته است.

تمدن غرب از نگاه خود غربی ها؛

برنارد لوئیس (۱۹۱۶-۲۰۱۸م) در طرفداری از نظریه هانتک تنکتون می گوید: "ریشه جنایات استعمارگران و متمدنان غربی سه چیز است:

یک) شک گرایی؛ غربی ها به همه چیز شک دارد و هیچ اعتماد و یقینی را نمی پذیرد.
دو) سهل شمردن گناه؛ سهل انگاری گناه در غرب باعث گردیده تا گراف جرایم و مخصوصاً جرایم اخلاقی به اوج خود رسیده است و این یعنی سقوط انسان از لحاظ ارزشی است که با پیشرفت و ساختن یک تمدن ارزش محور انسان را باز می دارد.
سه) سلطه جویی یا خیال مهتری بر جهانیان. این ایده که ایده عملی غربی نیست منشأ اصلی استبکارت غرب را تشکیل می دهد.

ضمن اینکه این رویکرد به نوبه خود آموزنده و جالب است، می توان شاهد تشدید این روند منحوس در تمدن غرب بود. در واقع آقای لوئیس و هانتینگتون - که ضمن پارادوکس دموکراسی یادآور شد - و به طریق اولی سیاستمداران و دولتمردان غربی و امریکایی نمی توانند منکر وجود این ویژگیها و اوجگیری آن در سیاستها و برنامه های خود شوند، پس به همان ادله ای که غرب شکاک، گناهکار و زیاده خواه در گذشته محکوم بوده اکنون نیز محکوم است. آیا رفتار غربی ها و امریکایی ها بر محور ادعاهای آن ها مبنی بر حمایت از حقوق بشر، دموکراسی، در افغانستان، عراق، گرانادا، و.... غیر از این بود؟!

هانتینگتون باورمند است: "غربی ها در جهت خطا در حرکت هستند و در شناسایی دشمن خویش به خطا رفته است؛ در حالیکه فقط اسلام است که غرب و سلطه جهانی او را

به چالش خواهند کشاند؛ لذا غرب در حال غفلت از شناخت دشمن محکوم به فناست".
(فهیمی: ۲۱)

اعتراف لوئیس - مانند هانتینگتون - به افول نسبی یا فرسوده شدن جدی تمدن غرب گواه بر اعتراف بر حقیقتی است در دیدگاه انسان ارزشی به اثبات رسیده است. ولی دقیق‌تر از آن این است که تمدن غرب جز تمدن اسلام عملاً جای‌گزینی نخواهد داشت! در اینکه غرب در سرایشی سقوط قرار گرفته تردیدی نیست و چه سقوطی بدتر از سقوط و انحطاط اخلاقی؛ و یا بدتر از همه انسان را به خدا قرار دادن است. البته باید یاد آور شد که دیدگاه پایان تاریخ فوکویاما "غرب با این همه فضاحت اخلاقی و تمدنی، برنده نهایی باشد" درست نیست.

بلکه حقیقت آنست که پایان تاریخی و تمدنی به شکلی است که لوئیس گفته که: "غرب همه ای مردم جهان را با خود به کام نیستی خواهد کشید؛ زیرا در تمدنی که ارزش‌های الهی زمینی شود و در نتیجه ارزش‌های زمینی بر آن غلبه داده شود نتیجه غیر از آن نخواهند شد". (لوئیس: ۲۰) و همه امکانات اصلاحی را از یک حیطه تمدنی نادیده انگاری...؛ حالا سوال اصلی این است که تمدنی که سعادت بشر را ضمانت می‌کند چگونه خواهد بود؟ باید عرض شود آینده چنان است که قرآن می‌گوید:

ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون؛ یعنی: به تحقیق در زبور داود - علاوه بر قرآن - این حقیقت را نگاشتم که حتماً نیکان و صالحان زمین را به ارث می‌برند. (انبیاء: ۱۰۵) و قال موسی لقومه استعینوا باللّٰه واصبروا أن الارض لله یرثها من یشاء من عباده والعاقبه للمتقین؛ یعنی موسی به قوم خود گفت: از خداوند متعال یاری بجوید و استقامت و پایداری پیشه کنید، به درستی که زمین از آن خداوند است و به هرکس از بندگان بخوهد آن را منتقل می‌کند و فرجام به نفع اهل تقوی و پرهیزکاران است. (الانعام: ۱۲۸) و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون؛ یعنی او (خدا) کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان جهان پیروز گرداند هرچند مشرکان را خوشایند نباشد". (توبه: ۳۳)

و نیز در روایت نیز به این تمدن سعادت بخش اشاره شده است:

قال رسول الله: لو لم يبق من الدهر إلا يوم واحد لطول الله ذالك اليوم حتى يبعث فيه رجلا من أمتي و من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي يملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا؛ یعنی اگر باقی نمانده باشد از عمر دنیا جز یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا اینکه مردی از امت و خاندان مرا که همانام من باشد مبعوث کند تا زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که از ظلم و ستم پر شده بود. (مجلسی: ج ۵۱، ص ۷۴)

در دیدگاه فکری غربی ها تقابل اسلام و غرب به نحوی بیان شده است که همان دیدگاه دوقطبی بودن (تمدن غرب و اسلام) را توصیف می کند.

به عقیده مدافعان ایده جنگ تمدن ها، تنها خطر تهدید کننده غرب اسلام است.

- هانتینگتون مسلمانان را این چنین معرفی می کند:

دلیل حمله مسلمانان به غرب این است که معتقدند غربی ها اصولاً به هیچ دینی ایمان ندارند...؛ چنانچه در جریان جنگ سرد، غرب نیروی مقابل خود را کمونیسم بی خدا لقب می داد؛ در جهان پس از جنگ سرد که ویژگی برخورد تمدن هاست. مسلمانان نیروی مقابل خود را غرب بی خدا می دانند.

وی اذعان داشته است که مشکل اصلی غرب، بنیادگرایی اسلامی نیست، بلکه خود اسلام است؛ تمدنی متفاوت که وابستگان به آن، به برتری فرهنگی خود اطمینان دارند و دل مشغول ناتوانایی های خود هستند. و برعکس دیدگاه مسلمانان را چنین بیان داشته است: مشکل اسلام هم سازمان سیا یا وزارت دفاع امریکا نیست، بلکه خود غرب است؛ تمدنی متفاوت که ملت های وابسته به آن در مورد جهانی بودن فرهنگ خود به یقین رسیده اند و معتقدند که قدرت برتر آنها، هر چند در حال افول است، این تعهد را برای ایشان ایجاد کرده که فرهنگ غربی را در سراسر جهان بپراکنند.

برآیند مبحث چنین وانمود می گردد:

در این میان گرچه هانتینگتون ضمن تشریح نظریه برخورد تمدن ها گفته است که عصر حاکمیت ناسیونالیسم سپری شده و جهان دوقطبی (دارالاسلام و دارالکفر) جای خود را به جهان چند قطبی داده است، ولی وی ناخودآگاه با کمک ایده

ناسیونالیسم، از تحریک احساسات غربی‌ها بهره‌برداری بسیار کرده و بر طبل جنگ تمدن‌ها کوبیده است و به شدت غرب را از خطر در حال تکوین اسلام و تبدیل شدن اسلام به یک تمدن جهانی ترسانده است. اما در مقابل، اسلامی که وی آن را جنگ طلب و خطرناک معرفی کرده، در قالب ایده مهدویت برای آینده تاریخ خیر، برکت، نور، هدایت، صلح و هم‌زیستی را نوید داده، بر بطلان تبعیض در هر چهره‌ای تأکید دارد و این تفاوت عمده‌ای میان دو نظریه مهدویت و جنگ تمدن‌هاست.

۳-۳. نقش نماز در تربیت نسل تمدن‌ساز

نماز یکی از محورها و ارکان اساسی است تمدن‌ساز؛ تربیت مراحل و موارد متعدد دارد لذا از تربیت دو بخش آن مورد توجه قرار داده شده است:

یک) بخش فیزیکی و مادی

این بخش با آنکه خیلی مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد ولی به تنهایی مورد کفایت نیست. هرچند اکثر مردم جهان در بخش تربیت و پرورش بدنی هزینه‌های زیادی انجام داده است و موارد مانند کودکان‌ها برای اطفال و دیگر پایگاه‌ها جوانان و نوجوانان و سایر گروه‌های سنی مورد نظر تربیت،

دو) بخش معنوی و اساسی تربیت

نسل امروزی جامعه بیش از هر چیزی دیگر به بخش معنوی تربیت نیازمندند، زیرا تا این بخش اصلاح و درست و صحیح نباشد؛ دیگر تربیت بدنی کارآ و مفید واقع نخواهند شد. بخش تربیت اعتقادی و آموزه‌های مربوط به آن بر همه ساحات دیگر مقدم است و از اهمیت و اولیت بیشتری برخوردار است. به بیان دیگر آموزه‌های اعتقادی شامل توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت این‌ها پایه و اساس سایر آموزه‌های تربیتی و نیز پشتیبان عمل آنها هستند و باید مقدم بر آموزش بخش تربیتی (عبادات و اخلاقیات) باشد و آموزش شرعیات و عبادات نیز مقدم بر اخلاقیات باشد. "ایّاک نعبد و ایّاک نستعین" (حمد: ۴)؛ (این بخش از نماز تمام

محتویات تربیتی نسل را که بناست تمدن بسازد عهده دار و پاسخگو خواهند بود.) این بخش از نماز در تربیت عبادی، و تعلق خاطر و شناخت رب و پرور دگار در صورتی که نماز گذار به آن توجه نموده باشد کافیهست. ایاک نستعین از سیاست تا اقتصاد و همه ابعاد این بخش از زندگی را عهده دار و پاسخگو است.

۳ - ۴. نماز و تربیت نسل تمدن ساز در برنامه ی از بایدها و نبایدها

در برنامه حضرت لقمان حکیم علیه السلام، امور ایجابی و سلبی در کنار هم مورد توجه قرار گرفته و بگونه ای هم به هم عوامل موثر در تربیت و هم و آسیب های تربیت اشاره شده است. در جنبه ایجابی و سلبی در کنار هم مورد توجه و بگونه ای هم به عوامل موثر در تربیت و هم به موانع و آسیب های تربیت و هم به موانع و آسیب های تربیت اشاره شده است.

در بعد ایجابی تربیتی

در جنبه ایجابی به موارد چون: " اقم الصلاه لذكری؛ نماز بپا دار!" (طه: ۱۴).؛ " وأمر بالعرف؛ به خوبی ها فرمان دهید" (اعراف: ۱۹۹). و " واصبر علی ما أصابک؛ بر آنچه از سختی ها و بلا به تو می رسد شکیبایی کن" (لقمان: ۱۷). و " وامر بالمعروف" (لقمان: ۱۷).؛ " واقصد فی مشیک؛ در انتخاب مسیر خود توجه داشته باش"؛ و " إن ذالک من عزم الامور؛ این صبر و شکیبایی از امور واجب و لازمی است" (لقمان: ۱۷).، " و بشرا الصابرين الذین إذا أصابتهم مصیبة؛ در برابر مصیبت ها شکیبیا باشد تا مورد رحمت الهی قرار داشته باشید" (بقره: ۱۵۶).

در بعد سلبی تربیتی

در این بعد از تربیت امور سلبی مورد توجه قرار داده شده است؛ " لا تشرك بالله؛ به خداوند متعال همتا قرار نده" (لقمان: ۱۳).؛ " إن الشرک لظلم عظیم؛ یعنی: در حقیقت شرک ستم بزرگیست" (لقمان: ۱۳).؛ " و انه عن المنکر؛ از بدی باز دار" (لقمان: ۱۷).؛ " و لاتصعر خدک للناس؛ صورت خود را متکبرانه از مردم برمگردان" (لقمان: ۱۸).؛ " ولا تمش فی الارض مرحا؛ در زمین با فخر و خود پسندی گام بر مدار" (لقمان: ۱۸).؛ " واغضض من صوتک؛ صدایت را بلند نکن یعنی با نرمش سخن بزن" (لقمان: ۱۸).

۳-۵. جامعیت نماز در تربیت نسل تمدن ساز

قال الله تعالى: "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد." (عنکبوت: ۴۵) محققین علوم جامعه شناسایی اذعان کرده اند که بدیها انسان را از رفتن به کمال باز می‌دارد.

نماز یکی از مهم ترین ارکان اساسی اسلام است؛ نسل تربیتی بر خواسته از نماز سزاوار و شایسته رهبری تمدن و ساختن تمدن نوین است لذا جامعیت این نسل بر اساس الهام از آموزه‌های مهم نماز است. ویژگی‌های این نسل را به طور خلاصه یاد آور می‌شویم:

(نهج البلاغه، خ همام).

- "المومن كَيْسُ الْفِطْنِ؛ زیرک و با هوش بودن"؛ هوشیاری از اساسی ترین شاخصه‌های این نسل تمدن ساز است. یعنی از عقل خدا دادی و تجربیات خویش در ساختن تمدن نوین بهره خواهند گرفت.

- "الحذر"؛ یعنی محتاط است؛ لذا در جامعیت نسل بر خواسته از تربیت نماز در ساختن تمدن چیزی که خیلی نیاز است؛ احتیاط است. مخصوصا در دنیای پیچیده ای که خیلی دقت و ظرافت را می‌طلبد تا فریب سیاست‌های دیگران را نخورده و مواجهه با شکست نگردد.

- "بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ این نسل خوشحالی شان در چهره‌های شان دیده شده و اندوه‌های خویش را در قلب خود تحلیل می‌کند"؛ به لحاظ روانشناختی این وضعیت را تحلیل بحران با کمترین هزینه در محور صبر و شکیبایی تعبیر کرده است.

- "لا يَلْسَعُ مِنْ حَجَرٍ مَرَّتَيْنِ؛ از سر یک سنگ دوبار نمی‌لغزد و یا به تعبیر دیگر از یک سوراخ دوبار مار آن را نیش زده نمی‌تواند. ما در دنیای زندگی می‌نماییم که قضایا و بحران‌ها مشابهت‌های خیلی زیادی باهم داشته و دارند.

- "أوسع الشیء صدراً؛ از روحیه وسیع و جهانی بر خوردار است"؛ این‌ها ویژگی‌های مهم و اساسی مانند آب دارند که در هنگام ملاقات با اشیاء نجیس، نجس نمی‌شود بلکه بر آن چیزی تاثیر معکوس می‌گذارند و آن را پاک و طاهر خواهند ساخت.

- "و أذلّ الشیء نفساً؛ نفس خود را خوار نگه میدارند تا دیگران در آسایش باشد". این بعد

- خیلی برای ساختن یک تمدن ایثار گر و وفداکار تاثیر مثبت دارد. ویژگی فرا دستی این نسل نسبت به هواهای نفسانی آنها باعث می شود، تا هیچ وقت تسلیم هواهای نفسانی نشوند.
- " زاجرٌ علی کُلِّ فانٍ و حاضٍ علی کُلِّ حسنٍ؛ از هر آنچه فانی است دوری می کنند و برای انجام امور جاودان و زیبایی مشتاقند."
- " لا حسودٌ، لا حقودٌ، لا وثابٌ " پرخاشگر، لا سبابٌ، لا عیابٌ، و لا مُغتائبٌ؛ کینه ورز و حسود، دشنام دهنده، عیبجو، و غیبت کننده نیستند."
- " لا شجعٌ و لا هلعٌ؛ نه حریص هستند و نه خرافاتی؛ بلکه حقیقت محور و قانع هستند.
- " لا عنفٌ و لا صلفٌ؛ نه درشت گفتارند و نه بی ظرفیت؛ بلکه از نرمش و تحمل در گفتار و رفتار بهر مند هستند.
- " لا متکلفٌ و لا متعمقٌ؛ اهل تکلف نیستند و در امور یکه مربوط آن نیستند هم دخالت نمی کنند؛ بلکه در نگرش به افکار و اعمال خود نیز متعارف و متعادل هستند.
- " جمیل المنازعه؛ منازعه اش منطقی و معقول و توأم با مدارا و حفظ جایگاه و حریم ارزش های دیگران هستند.
- " کریم المراجعة؛ بازگشتشان کریمانه است؛ از کسانی که با آنها بریده دلجوی می کنند، و اهل وصل هستند نه تفریق.
- " عدلٌ إن غضبٌ؛ در وقت خشم از اعتدال خارج نمی شود."
- " رفیقٌ إن طلبٌ؛ در خواستن چیزی با نرمش و خوشروی بر خورد می کنند."
- " لا یتهور و لا یتهتک؛ اهل تهور (بی باکی غیر منطقی) و پرده دری نیستند."
- " لا یتجبر؛ اهل بزرگ بینی و بزرگ نمایی نیستند."
- " خالص الود؛ دوستی شان اخلاصمندان هستند."
- " وثیقٌ العهد و فیّ العقد؛ در معاهداتشان محکم و در قرار دادهایشان وفا دارند."
- " شفیق الوصول؛ مهربان پیوند زننده است."
- " یتغون الرفعه بالله تعالی؛ مقامات عالی را فقط نزد خداوند متعال می خواهند، در دنیا همه چیز را به دیدگاه مسولیت می بینند."

- "قليل الفُصول؛ زیاده گفتاری و بیهوده کاری ندارند."
 - "ناصرللدین؛ یاور دین هستند."
 - "مُحَامٍ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ؛ یاور مستضعفان هستند."
 - "كهف للمسلمين؛ پناه گاه مسلمانان و انسان‌های بی پناه هستند."
 - "لا يخرق الثنا سمعهُ؛ مدح مداحان و ستایش دیگران او را از خود، بی خود نمی کنند؛ یعنی مدح و ذم بر آنها و اهداف آن تاثیر نمی گذارند."
 - "لا يَنكِي الطمع قلبه؛ طمع قلب او را تسخیر نمی کند؛ یعنی تیر طمع قلب او را نمی خراشد."
- آره نماز می تواند و توانسته است چنین نسل تمدن ساز را به جامعه انسانی تحویل و آماده خدمتگزاری نماید.

۳ - ۶. نماز اکسیر تربیت نسل‌های بشر در ساختن تمدن نوین؛

(لقمان: ۱۷).

(نهج البلاغه: ح، ۲۵۲).

نماز، ساده‌ترین، عمیق‌ترین و زیبا ترین رابطه بین خداوند متعال و بنده است و در تمام ادیان الهی نیز وجود داشته است. نماز تنها عبادتی است که سفارش شده قبل از آن، خوش صدا ترین افراد بالای بلندی رفته و با صدای بلند، شعار "حی علی الصلاه، حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل" را سردهند، و با اذان سکوت را بشکنند و یک دوره اندیشه‌های ناب اسلامی را اعلام و غافلان را بیدار کنند. لذا می‌تواند با بیداری حکیمانه خود تربیت نسل تمدن ساز را متعهد شده و از دایره سقوط و رفتن به منجلاب پلیدی باز داشته و مصدر خیر و سعادت سازد.

خصوصیات نسل تربیت یافته از نماز:

- نظافت و بهداشت را از مسواک زدن، غسل و پاک بودن بدن و لباس و غصب نبودن مکان؛

- جرأت، جسارت و فریاد زدن را با اذان،

- حضور در اجتماع و صحنه را در مساجد، و رفتن در چنگ دسته جمعی بر علیه شیطان؛ و نفس اماره و...؛
- توجه به عدالت در انتخاب امام جماعت، و نفی ظلم و بی عدالت؛
- توجه به انتظام و ارزش ها و کمال را از کسانی که در صف اول می ایستند؛
- جهت گیری و ایستادن در خط حق را از انتخاب قبله؛
- رعایت حق دیگران را از غصبی نبودن مکان نماز و لباس نماز گزار؛
- توجه به سیاست را از پذیرش ولایت معصوم (علیه السلام) و در زمان غیبت در تقلید و اطاعت از دستور مرجع اعلی تقلید و انقیاد از فرمان ولی فقیه؛
- توجه به شهدا و مقام شهادت را با گذاشتن پیشانی بر تربت سیدالشهداء (علیه السلام)؛
- توجه به پاکی و نظافت را در طهارت مسجد، و بدن و لباس نماز گزار؛
- توجه به خدا را از تکبیر اول (تکبیره الاحرام) و عاقبت بخیری را با سلام و سلامتی، آخر نماز،
- توجه به معاد را در " مالک يوم الدين "؛ (الحمد: ۳).
- توجه به انتخاب را در " اهدنا الصراط المستقیم "؛
- انتخاب همراهان خوب را در " صراط الذين أنعت علیهم "؛
- پرهیز از منحرفان و غضب شدگان را در " غیرالمغضوب علیهم و الضالین "؛
- توجه به نبوت و اهل بیت را در تشهد؛
- توجه به پاکان و صالحان را در " السلام علینا و علی عباد الله الصالحین "؛ را می شود گفت نماز است که تربیت یک چنین نسل برای ساختن تمدن زیبا انسان الهی را عهده دار و از اجرایی شدن آن ضمانت می کند. (قرائتی: ۱۳۸۳).

۴. تمدن سازی (ایجاد زبان مشترک) و مکلمه سواء

قرآن کریم در مورد ارتباطات فرهنگی و زبانی زیر بنای اولیه تمدن و فرهنگ، چنین می فرماید: " حتی إذا بلغ بین السدین وجد من دونهما قوما لا یکا دون یفقهون قولاً؛ (همچنان به راه خدا ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید، و در آنجا گروهی غیر از آن دو را یافت که هیچ سخنی را نمی

نماز و نقش آن در تربیت نسل تمدن ساز، از منظر قرآن، و نهج البلاغه و برخی دیدگاه‌های مطرح □ ۲۵

فهمیدند!" (از اینکه ساکنان شمال منطقه فتوحات ذی القرنین به جمله "لا یکادون یفقهون قولا" وصف شده اند، یعنی "نزدیک بود سخنی را بفهمند"، معلوم می‌شود ارتباطات فرهنگی و شناخت زبانهای زنده دنیا زیر بنای اولیه تمدن است.) (کهف: ۹۳)

روی این ملحوظ یکی از روشنترین نشانه‌های تمدن انسانی، همان سخن گفتن او است. کلمه سواء؛ یعنی اینکه همه جهانیان بدون اینکه جبر و اکراهی در میان باشد؛ به یک فرهنگ و یک وحدت جامع رسیده باشد و این همان وعده الهی است که در اسلام مصداق پیدا کرد و با ظهور منجی ﷺ به جهانیان به وجه احسن آن نائل می‌آید.

تمدن سازی از بخش‌های زیر تشکیل شده است

- سد سازی

سدسازی مانند؛ (سد اسکندر)، برج سازی (برج سازی جنیان برای حضرت سلیمان علیه السلام) (سبا: ۱۳). برج سازی فرعونیان (غافر: ۳۶) توسعه کشاورزی (یوسف: ۴۶-۴۹)؛ کشاورزی یکی از نشانه مهم تمدن می‌باشد.

- حکومت

بر خوردار از حکومت، نشانه تمدن می‌باشد: "و قال الملك أرنی سبع بقرات سمان یا کلهن سبع عجاف و سبع سنبلات خضر و آخر یابست یا ایها الملاء أفتونی فی رویای إن کنتم للراء یا تعبرون؛ پادشاه (مصر) گفت من در خواب دیدم هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می‌خورند، و هفت خوشه خشکیده (خشکیده‌ها بر سبزه‌ها پیچیدند و آنها را از بین بردند) ای جمعیت اشراف! در باره خواب من نظر دهید اگر خواب را تعبیر می‌دانید!". (طباطبایی: ج ۱۱، ص ۲۵۲). و حکومت ذی القرنین (کهف: ۸۳) و حکومت حضرت سلیمان (نمل: ۱۷)؛ و حکومت ملکه سبا (نمل: ۲۲)، و حکومت حضرت داود علیه السلام (طباطبایی: ج ۱۷، ص ۲۸۸)

- صنعت

صنعت ذوب فلزات، از نشانه‌های تمدن می‌باشد: "قالوا یا ذی القرنین إن یأجوج و مأ جوج

مفسدون فی الارض فهل نجعل لك خرجا على أن تجعل بيننا وبينهم ردما، ءاتونی زبر الحديد حتى إذا سأوی بین الصدفةین قال انفخوا حتى إذا جعله نارا قال ءاتونی افرغ علیه قطرا؛ (آن گروه به او) گفتند ای ذوالقرنین یا جوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدی ایجاد کنی؟ (ذوالقرنین) گفت: آنچه را خدا در اختیار من قرار داده است بهتراست (از آنچه شما پیشنهاد می کنید) مرا با نیرویی یاری کنید، تا میان شما و آنها سد محکمی ایجاد کنم. قطعات بزرگ آهن برای من بیاورید (و آنها را به روی هم چیند) تا کاملا میان دو کوه را پوشانید، بعدا گفت (آتش در اطراف آن بیافروزد و) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، گفت (اکنون) مس ذوب شده برای من بیاورید تا به روی آن بریزم. (کهف: ۹۴-۹۶) و کوره آجر سازی فرعون، و عمران و آبادانی در ساختمان سازی، از نشانه های تمدن می باشد: (اعراف: ۷۳)، (حجر: ۸۰).

- هنر

ساخته شدن قصر سلیمان عليه السلام از آبگینه های آب نما، نشانی از تمدن و معماری حیرت انگیز آن دوران بوده است:

قیل لها أدخلى الصرح فلما رأته حسبته لجه و كشفت عن ساقبها قال إنه صرح
ممرود من قوارير قالت رب إني ظلمت نفسي و أسلمت لله رب العالمين؛ به او
گفته شد داخل حیاط قصر شو؛ اما هنگامی که نظر به آن افگند پنداشت نهر آبی
است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد اما سلیمان) گفت (این آب
نیست) بلکه قصری است از بلور صاف، (ملکه سبا) گفت پروردگارا! من به خود
ستم کردم، و با سلیمان برایی خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آورد. "
(طباطبایی: ج ۱۵، ص ۵۲۲)

- بخش معنوی و فرهنگی تمدن

تمدن اسلامی بر اساس جهان بینی توحیدی بنا شده است؛ این تمدن با نام خداوند متعال و موضوع رحمانیت و رحمت و ایمان به روز واپسین (قیامت) و اینکه تنها خداوند متعال قابل

پرستش هست و او تنها یاری کننده واقعی است و....؛ تمدنی را که اسلام مطرح می‌کند از آدم عليه السلام شروع و به مهدی (عج) به اوج شکوفایی خود می‌رسد، معرفی کرده است. قال تعالی: "فأما من طغى و آثر الحياه الدنيا فإن الجحيم هي المأوى؛ پس هر کس از حکم شرع خدا سرکشی و طاغی شد و زندگی دنیا را بر گزید، دوزخ جایگاه اوست." (نازعات: ۳۷-۳۹) اسلام تمدن بدون ارزش‌های دینی را نکوهش کرده است (یونس: ۸۸).

۴- ۱. معیار تمدن در قرآن

- داشتن فرهنگ دینی و خدا شناسی؛
- صالح بودن "أنعمت عليهم"؛
- ارتباط با خدا؛
- کسانی متمدن هستند که مسیر فردی و اجتماعی آنها با برنامه انبیایی الهی موافق و همراه باشند؛ نه آن‌های که مغضوب الهی هستند. و آن‌های که دین را بازیچه قرار دادند غیر متمدن معرفی کرده است (الانعام: ۷۰). و نیز اطاعت از آنها باعث گمراهی شدند (هود: ۹۷).

۴- ۱-۱: تفاوت نسل تربیت شده از نماز برای ساختن تمدن با دیگر نسل‌ها

- جهانی اندیشی، و جهان شمول بودن و مرز نشناختن؛
- تساهل و مدارا، گشادگی مشرب و آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و منطبق ساختن آن با روح توحیدی اسلام؛
- تبلیغی و باز بودن اسلام در مقایسه با آئین‌های بسته ای چون یهودی و زرتشتی؛
- تعادل در نگرش میان دنیا و آخرت و نیز توجه به سیاست و اجتماع؛ و... (امت واحده: ۲۱).

۴- ۱-۲. مبانی تمدن اسلامی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

"الصلاه عمودالدین؛ نماز ستون دین است" (کنز العمال: ۱۸۸۸۹). نماز ستون دین است، دین باعث سلامتی و سعادت‌مندی انسان است لذا مبنای تمدن انسان الهی همین نماز است

که اساس نظام احسن است. بنابراین؛ همه موجودات عالم تکوینا بر اساس نظام احسن خلق شده است.

- "احسن التقویم" (تین: ۴۰)؛ این احسن بودن اساس تمدنی را بیان می کند از نماز منبعث شده است.

- برهان نظم "یک": وجود عنصر "نظم" در تمامیت عالم، دو: وجود عنایت فعلی و یا همان عنصر "حکمت"، این دو مولفه بیستر ساختن یک تمدن را برای بشر فراهم ساخته است. - حکمت فلسفی: "من یوت الحکمه فقد أوتی خیرا کثیرا" به هرکسی حکمت داده شده است در واقع خیر کثیر به او داده شده است (بقره: ۲۶۹). حکمت در لغت یعنی چیزی واضح و یقینی است (راغب: اصفهانی، ۱۹۷۹، ج ۲: ۲۶۵). و در اصلاح عبارت است از: عدم وجود لغو و بیهودگی در کلیت نظام یک تمدن است.

۴-۱-۳. نماز و مصداق عملی در تربیت نسل تمدن ساز

نماز در تربیت انسان های شایسته تا آنجا پیشرفته است که انسان از تصور آن در حیرت و تعجب، و شنیدن آن لذت و از ابراز عشق به آنها فقط آرزو می کند که با این موهبت الهی فقط انس داشته و جهان را به یک تمدن مبدل کند که نمونه آن را در زندگی یکی از پایه گذاران تمدن بر خواسته از بستر نماز مشاهده و مطالعه خواهید نمود.

نمونه های زیادی وجود دارد که در پژوهش حاضر یکی از آنها را یاد آور می شویم:

و آن شخصیت بزرگ جهانی علیست علیه السلام که فرمودند:

"دخلتُ بلادکم بأشمالی هذه و رَحَلَتِی و راحِلَتِی ها هی فَإِن أنا خرجتُ من

بلادکم بغیر ما دخلتُ فَإِنَّتِی من الخائنین؛ من وارد این شهر شدم و بر مرکبی

سوار بودم؛ یعنی همین مرکبی که اکنون زیر پای من است و لباسی که الآن در بر

دارم و آن اندازه از اثاثی که مسافری به همراه دارد (مشکی، شمشیری و شتری) هر

زمانی این شهر را ترک کنم بیش تر از آن با خود ببرم بدانید که به شما خیانت کرده

ام (بحارالانوار، ج ۴۰: ۳۲۵)

و نیز فرمودند:

أَدْقُوا أَقْلَامَكُمْ، وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَ أَحْذَرُوا عَنِي فَضُولَكُمْ، وَ أَقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ؛ قلم‌های خود را نازک بتراشید، سطرها را به هم نزدیک بنویسید، عبارات و کلمات زاید را حذف کنید؛ یعنی مرا بالقاب گوناگون مخوانید! و به معنا و مفهوم توجه داشته باشید و از زیاده روی در نوشتن پرهیز نمایید، بیت المال مسلمین تحمل ضرر را ندارد (کتاب الخصال، ج ۱، ص ۱۴۹).

اگر تمدنی بر این اساس ساخته شود، بدون تردید مفهوم زبان مشترک جهانی "کلمه سواء" خواهند بود. و این همان چیزی است که فطرت سالم انسان خواهان آن بوده و این یعنی همان معنای قسط و راه راست بوده و تحقق تمدن شایسته انسانی را رقم می‌زند.

۵. نتیجه

پژوهش حاضر با توجه به نماز و اهمیت آن در تربیت نسل تمدن ساز، کاوش و جستجوی‌های را انجام داده است. بناء از نتایج و یافته‌های آن چنین وانمود می‌گردد:

- نماز به عنوان یک رکن دینی قادر است؛ نسلی را تربیت کند که الهی، پرنشاط، فعال و خستگی ناپذیر، ایثارگر و فداکار باشد. و تمدنی بسازد که پاسخگوی همه نیازهای جامعه بشری و عاری از بدیها و انحراف باشد.

- نسل تربیت شده از آموزه‌های نماز، نسل است که تقرب إلى الله اساس و انگیزه خدمت او به بندگان خداوند متعال را تشکیل می‌دهد.

- تربیت یافتگان نماز، نسل متفاوت از سایر مکاتب فکری است. این نسل صرفا ساختن شکل ظاهری تمدن را کافی ندانسته بلکه توجه اساسی بر محتوی و ارزش معنای آن می‌کند تا شکل بر محتوی مورد ارزش یابی قرار گیرد.

- نماز انسان را از بدیها و انحرافات باز می‌دارد، وقتی انسان صالح شد آن وقت می‌تواند تمدنی را بسازد که باعث فلاح و سعادت‌مندی انسان گردد؛ زیرا از انسان آلوده اصلاح جامعه و ساختن تمدن صالح بعید است.

- هرچند از تمدن تعریف‌های گوناگون صورت گرفته است، همچنان که برداشتهای

انسانی متفاوت است و این تعریف از تمدن هم متفاوت خواهند بود.

- تمدن با دو رکن نظام شهری و قانون مداری، میان جامعه شناسان تعریف می‌شود. اما تمدن دینی بر اساس مبانی شکل می‌گیرد که آن مبانی اکثراً برخاسته از فقه یا کلام است و یا ترکیب از هر دو تا.

- نظام احسن حاوی وجود عنصر "نظم" بانگاه کلی نگرانه در تمامیت عالم، و وجود عنایت فعلی یا همان عنصر "حکمت" در کلیت آفرینش است که این دو، بستر را برای ساختن تمدن توسط نسل تربیت شده از نماز آماده و فراهم می‌کند.

- تمدن برخواسته از نسل تربیت شده از نماز، تمدن الهی است، که قانون شرع به عنوان سرچشمه نظم باید علاوه بر روابط بین انسان و طبیعت و تمامی عالم، ناظم شخصیت فردی و استقامت روحيات و ذاتیت درونی هریک از افراد بشر به صورت جداگانه نیز بوده است و رابطه بین فرد با خودش و جامعه و خدایش را تضمین می‌کند.

- در مقایسه بین تمدن‌ها به این نتیجه رسیدیم: گفتمان قرآنی و مهدوی این است که سرانجام بندگان شایسته خدا به قدرت رسیده، بساط بیدادگری برچیده خواهد شد. بر اساس این تمدن انسان الهی، آینده روشن و امیدبخش است؛ زیرا اراده همراه با عدل الهی، هیچ گاه به ستم، گناه و جباریت رضایت نمی‌دهد؛ به ویژه برای پایان تاریخ نیز صفحه سیاه ستم‌گری را نمی‌پسندد.

- آری چنان که اسلام با حکومت دادگستر و نمونه نبوی ﷺ آغاز شده است و پس از فترتی با حکومت عدالت محور، اما کوتاه علوی علیه تفسیر و تداوم یافته؛ با حکومت سرتاپا عدالت مهدی علیه نیز تداوم خواهد یافت.

- غربی‌ها از تمدن غرب چهره ناکامی را به تصویر کشیده چهره که با اسلام این ناکامی به تصویر کشیده شده، لذا پایان تمدن شان را که همانا فراگیری تمدن برخواسته از نماز است، به نحوی اذعان می‌کنند.

- ساموئیل هانتینگتون ضمن تشریح نظریه برخورد تمدن‌ها گفته است که عصر حاکمیت ناسیونالیسم سپری شده و جهان دو قطبی جای خود را به جهان چند قطبی داده است، ولی وی

ناخودآگاه با کمک ایده ناسیونالیسم، از تحریک احساسات غربی‌ها بهره برداری بسیار کرده و بر طبل جنگ تمدن‌ها می‌کوبد و به شدت غرب را از خطر در حال تکوین اسلام (تمدن اسلامی) ترسانده است.

- اما در مقابل، اسلامی که (هنتینگتون) آن را جنگ طلب و خطرناک معرفی کرده، تمدنی در قالب ایده مهدویت برای آینده تاریخ خیر، برکت، نور، هدایت، صلح و هم زیستی را نوید داده، بر بطلان تبعیض در هر چهره‌ای تأکید دارد و این تفاوت عمده‌ای میان دو نظریه مهدویت و جنگ تمدن‌ها و سایر مکاتب فکری جهانست.

- جهانی دوقطبی - آن گونه که غربی‌ها تصور می‌کنند - ایجاد کند. جهان دوقطبی غربی سرشار از دیگری و ستم است، ولی تقسیم اسلام صرفاً اعتباری و فرهنگی است. از نگاه اسلام دارالحرب به معنای منطقه نبرد نیست، بلکه مراد جایی است که یک مسلمان یا یک انسان، امنیت روحی لازم و آزادی فکری کافی نداشته - چنان که قرآن ترسیم کرده - خفقان حاکم است و متقابلاً دارالاسلام جایی است که چنان وضعی حاکم نیست. شاهد این مدعا هم این است که مسلمانان حتی در زمان قدرت مندی نیز برای غیرمسلمانان محیط بسته فکری ایجاد نمی‌کرده‌اند.

- باید اعتراف نمود؛ نسلی را که برخاست از تربیت نماز باشد، سزاوار چنین گفتار و رفتار دانست؛ چنانچه فرمودند:

دَخَلْتُ بِلَادَكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ وَ رَحَلْتِي وَ رَاحِلَتِي هِيَ فَإِنْ أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ
بَغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ؛ من وارد این شهر شدم و بر کبی سوار بودم؛
یعنی همین مرکبی که اکنون زیر پای من است و لباسی که الآن در بر دارم و آن
اندازه از اثاثی که مسافری به همراه دارد (مشکی، شمشیری و شتری) هرزمانی این
شهر را ترک کنم بیش‌تر از آن با خود ببرم بدانید که به شما خیانت کرده‌ام.

- و نیز فرمودند:

ادقلامکم، و قاربوا بین سطورکم، و اُحذفوا عنی فضولکم، و اُقصدوا قصدالمعانی،
و اِیاکم و الإکثار، فَإِنَّ أُمُوالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ؛ قلم‌های خود را نازک
بتراشید، سطرها را به هم نزدیک بنویسید، عبارات و کلمات زاید را حذف کنید؛

یعنی مرا بالقاب گوناگون بخوانید! و به معنا و مفهوم توجه داشته باشید و از زیاده روی در نوشتن پرهیز نمایید، بیت المال مسلمین تحمل ضرر را ندارد.

- در نهایت می توان چنین اذعان کرد و اعتراف نمود که نماز است که نسل تربیت کند که از او خیر و سعادت و خوشبختی را انتظار داشت نه شرارت و بحران و تباهی را و در ساختن تمدن نوی و ماندگار که خیر و فلاح و سعادت‌مندی جامعه در آن باشد، امیدوار بود.

- زبان، فرهنگ، ارزش‌های مشترک، تمدن در مصادیق مادی و معنوی آن تابع شرایط زمانی و مکانی خاصی خواهند بود که برخی آن را مرور نمودید.

- فلذا آنچه بر اهمیت پژوهش‌ها می‌افزاید؛ توجه بر محوریت نماز در تربیت نسل تمدن ساز، آن هم تمدنی که جهانی و در مصداق "کلمه سواء" باشد و این تمدن در نقشه‌ای امام خمینی علیه السلام: "نظم مدنی - سیاسی مبتنی بر عقلانیت"؛ که بر آیند آن تمدن مردمی در چهار چوب ارزش‌های اسلامی و یا تمدن مردم محور در پرتو اسلام و ارزش‌های انسان الهی ساخته شده باشد؛ است.

کتابنامه

قرآن کریم و نهج البلاغه؛

- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹.
- امامی، اسدالله، صفای، سیدحسین، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۹۰.
- اندیشه‌های امام خمینی رحمه الله و بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۲).
- برنارد لوئیس، کارن آرمسترانگ، چالش سنت و مدرنیته، مترجم: غلامحسین میرزا صالح.
- بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار جوانان خراسان شمالی، (۱۳۹۱/۷/۲۳).
- ر. ک: الراغب الاصفهانی، المفردات، دفتر نشر الکتاب، سیداحد فهری، پرواز در ملکوت.
- _____، (۱۹۷۹)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، الدار الشامیه.
- _____، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۲۲.
- عبدالرحمن بن محمدبن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۷۲-۲۹۰، به کوشش علی عبدالواحد، قاهره، دار نهضة مصر.
- غزالی، ابوحامد محمد، احیاء العلوم، مصر، مکتبه المصطفی البابی الحلبی، ۱۳۵۸ق.
- فهیمی، محمدحسن، (رهبری و مدیریت (۱۳۹۸)، دانشگاه مارشال فهییم، تحلیل اندیشه‌های سیاسی غرب بر محوریت کتاب برخورد تمدن‌ها).
- فیومی، احمدبن محمد، مصباح المنیر، ص ۲۱۷.
- قراقرتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ ۱۱.
- کاظم زاده ایرانشهر، حسین؛ اصول اساسی فن تربیت، تهران، اقبال، ۱۳۵۷ ش.
- کانت، آما نوئل؛ تعلیم و تربیت، ترجمه: غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۴۱، تهران، صدرا، ۱۳۸۳ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.

